

جنگ شناختی

ترجمہ

جواد باجلانی



اشارات و نکتہ غیر کتابی آفاق

فهرست

- ۱..... بخش اول
- ۲..... پیشگفتار:
- ۵..... معرفی:
- ۶..... مقدمه:
- ۷..... مفهوم جنگ شناختی:
- ۸..... چند تعریف از جنگ شناختی:
- ۱۰..... نظریه پردازي:
- ۱۱..... اصول اساسی:
- ۱۳..... سطوح عمل:
- ۱۳..... وضعیت دفاعی:
- ۱۴..... حرکت به سمت یک حوزه انسانی:
- ۱۴..... ابزار عمل:
- ۱۵..... رابطه بین قلمرو و عمل.....
- ۱۶..... فناوری های همگرا.....
- ۱۸..... نتیجه:
- ۱۹..... بخش دوم.....
- ۲۰..... ظهور جنگ شناختی:
- ۲۱..... هک کردن افراد:
- ۲۲..... اعتماد هدف است.....
- ۲۵..... اقتصاد رفتاری.....
- ۲۶..... تبلیغات.....
- ۲۷..... روان شناسی سایبری.....

- ۲۸..... محوریت مغز انسان
- ۲۸..... درک مغز یک چالش کلیدی برای آینده است:
- ۲۹..... علوم شناختی:
- ۳۱..... نقش احساسات:
- ۳۲..... نبرد برای توجه:
- ۳۲..... تاثیرات بلندمدت فناوری بر مغز:
- ۳۴..... وعده های علوم اعصاب:
- ۳۵..... نظامی کردن علم مغز:
- ۳۵..... پیشرفت و ماندگاری علوم اعصاب و فناوری یا تکنولوژی علوم اعصاب (NeuroS/T):
- ۳۶..... استفاده نظامی و اطلاعاتی از NeuroS/T:
- ۳۸..... تسلیح مستقیم NeuroS/T:
- ۴۰..... داده عصبی:
- ۴۲..... اقتصاد نوروبی:
- ۴۴..... به سمت یک حوزه عملیاتی جدید:
- ۴۵..... تعریف جنگ شناختی روسی و چینی:
- ۴۷..... درباره انسان هاست:
- ۵۰..... جنبه های حقوقی و اخلاقی:
- ۵۲..... توصیه هایی برای ناتو:
- ۵۵..... تأثیر بر توسعه جنگ:
- ۵۶..... نتیجه:
- ۵۷..... پیوست ۱:
- ۶۱..... پیوست ۲:
- ۶۴..... بخش سوم
- ۶۵..... تکامل جنگ غیر جنبشی
- ۶۶..... جنگ روانی (PsyOps):

- ۶۶..... جنگ الکترونیک (EW) :
- ۶۷..... جنگ سایبری :
- ۶۸..... جنگ اطلاعاتی :
- ۶۸..... جنگ شناختی :
- ۷۰..... اهداف جنگ شناختی :
- ۷۲..... بی ثباتی :
- ۷۶..... مورد ۳: بی ثبات سازی به عنوان وسیله‌ای برای نفوذ:
- ۷۸..... نفوذ:
- ۸۵..... تهدیدات آینده:
- ۹۴..... توصیه های استراتژی :
- ۹۴..... چارچوب و معیارهای شناسایی تهدید:
- ۹۶..... ارزیابی ریسک :
- ۹۷..... پیاده سازی های سازمانی :
- ۹۸..... ملاحظات توهین آمیز :
- ۹۹..... افکار بسته :
- ۱۰۰..... کتابشناسی - فهرست کتب - بخش اول.....
- ۱۰۰..... کتابشناسی و منابع (بخش دوم):
- ۱۰۱..... فهرست کتب: بخش سوم.....

بخش اول

thbook.ir

نویسندگان: برنارد کلوری^۱ و فران سوآ دو کلوزل^۲

نظرات بیان شده در این مقاله متعلق به نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاه‌های رسمی هیچ موسسه‌ای نیست

گردآوری و ترجمه: سرتیپ دوم ستاد جواد باجلانی

پیشگفتار:

جنگ طی چند دهه گذشته به طور چشمگیری تغییر کرده است و از تهدیدات فیزیکی جنگ‌های متعارف فاصله گرفته است. اکنون جنگ به سمت تهدیدات اجتماعی و ایدئولوژیک ناشی از رسانه‌های جمعی و پیشرفت‌های فناوری حرکت می‌کند. ظهور این نوع جدید جنگ با هر چیزی که قبلاً دیده بودیم متفاوت است. اگرچه عناصری از انواع قبلی جنگ‌های هیبریدی را در بر می‌گیرد، اما دامنه و سطح تأثیری که دارد آن را بسیار خطرناک‌تر از پیشینیان خود می‌کند. ما این شیوه جدید جنگ را جنگ شناختی نام گذاری کرده‌ایم.

جنگ شناختی، اگرچه شباهت‌های مختلفی با دیگر انواع جنگ/عملیات غیرمتعارف و غیر جنبشی دارد، اما در نهایت در اجرا و هدف خود منحصر به فرد است. در این مقال، منشأ جنگ غیر جنبشی را با نگاهی به جنگ سرد و استفاده از عملیات روانی^۳ (PsyOps) بررسی می‌کنیم. ما سیر تکامل جنگ را دنبال می‌کنیم و متذکر می‌شویم که پیشرفت‌های فناوری

باعث ایجاد جنگ الکترونیک و متعاقباً جنگ سایبری شده است. با ادامه توسعه قابلیت‌های سایبری، اطلاعات به یک میدان روبه‌رشد تبدیل شد و جنگ اطلاعاتی شروع به توسعه کرد. با این حال، نه تنها جنگ شناختی یک گام فراتر از مبارزه برای کنترل جریان اطلاعات است. بلکه مبارزه برای کنترل یا تغییر نحوه واکنش مردم به اطلاعات است. جنگ شناختی به دنبال این است که دشمنان خود را از

۱. برنارد کلوری استاد دانشگاه، مدیر افتخاری و بنیانگذار مدرسه ملی در انستیتو پلی تکنیک بوردو و محقق در مرکز ملی تحقیقات علمی (UMR5218) دانشگاه بوردو است.

۲. فرانسوا دو کلوزل یک سرهنگ بازنشسته ارتش فرانسه و رئیس پروژه‌های نوآورانه در مرکز نوآوری فرماندهی متفقین در نورفولک ویرجینیا است.

۳. جنگ روانی (Psychological warfare) جنگ روانی استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات به وسیله عوامل آشکاری همچون رادیو، تلویزیون، مطبوعات و عوامل پنهانی مانند شایعه به منظور تحریف عقاید، تضعیف روحیه و بی‌اعتبار کردن انگیزه‌ها و کاستن از اقتدار طرف مخالف می‌باشد.

آشنایی و مقابله با جنگ ترکیبی | ۳

درون به بیرون ناپدید کنند. ما جنگ شناختی را به عنوان سلاحی برای افکار عمومی، توسط یک نهاد خارجی، به منظور تأثیر گذاری بر سیاست‌های عمومی و دولتی و بی‌ثبات کردن نهادهای عمومی تعریف می‌کنیم.

بی‌ثباتی و نفوذ از اهداف اساسی جنگ شناختی است. این اهداف به منظور ایجاد ناراضی‌ت در یک جامعه یا تشویق باورها و اعمال خاص عمل می‌کنند. افشای کنوانسیون ملی دموکراتیک (DNC)^۱ در آمریکا در سال ۲۰۱۶ نمونه خوبی از استفاده یک قدرت خارجی از اختلافات برای بی‌ثبات کردن جامعه است. گروه‌های تروریستی مانند القاعده نشان می‌دهند که چگونه غیرنظامیان می‌توانند تحت تأثیر ایدئولوژی‌های رادیکال قرار گیرند و دیگران را جذب کنند. پیش‌ازین هرگز انجام چنین دست‌کاری دسیسه‌آمیزی به آسانی امروز نبوده است. پیشرفت در ارتباطات، دیجیتالی‌شدن، عصب‌شناسی و روان‌شناسی، مواهب بسیاری را برای جامعه فراهم کرده است. هنوز، با هر فرصت جدید، یک تهدید جدید ظاهر می‌شود. امروزه ما با مشکلاتی مواجه هستیم که توانایی رسانه‌های اجتماعی برای پخش اطلاعات به میلیاردها نفر را در چند دقیقه به وجود می‌آورد. ما باید در برابر "الگوریتم‌هایی دفاع کنیم که می‌توانند تشخیص دهند چه کسی مستعدترین افراد در برابر مطالب ارسال شده است و چه کسی بیشتر مایل به انتشار آن است. توانایی امروزی برای جعل و دست‌کاری اطلاعات بی‌سابقه است و پیشرفت‌های اخیر در هوش مصنوعی اکنون ویدئو و صدا را نیز مشکوک کرده است. مردم مطمئن نیستند که چه چیزی را باور کنند، حتی نهادهای دولتی را از این بی‌ایمانی دریغ نمی‌کنند. به طور هم‌زمان، ما در حال متحول کردن آنچه می‌دانیم در مورد نحوه عملکرد مغز و احساساتمان به عنوان افراد با اشکال مختلف کنترل هستیم. بنابراین، اعتقاد ما این است که ناتو باید به سرعت و با قدرت برای دفاع در برابر تهدیدات فعلی در حوزه جنگ شناختی و تلاش برای محدود کردن تهدیدات آینده، سازگار شود. درحالی‌که جامعه دموکراتیک هم پیچیده و هم شگفت‌انگیز است، آسیب‌پذیر است. برای پیشی گرفتن از این تهدیدات، ناتو باید به سه روش دفاعی پاسخ دهد. اول، ناتو باید برای ایجاد یک تعریف یا چارچوب کارآمد برای اقدامات شناختی جنگ تلاش کند. این شامل مجموعه‌ای از

۱. کنوانسیون ملی دموکراتیک (Democratic National Convention (DNC) مجموعه‌ای از کنوانسیون‌های نامزد ریاست جمهوری است که از سال ۱۸۳۲ هر چهار سال یکبار توسط حزب دمکرات ایالات متحده برگزار می‌شود.

۲. الگوریتم (Algorithm) الگوریتم یا خوارزمی مجموعه‌ای منتهی از دستورالعمل‌ها است، که به ترتیب خاصی اجرا می‌شوند و مسئله‌ای را حل می‌کنند. به عبارت دیگر یک الگوریتم، روشی گام به گام برای حل مسئله است.

معیارها برای کشف حملات شناختی در حال وقوع است. دوم، اتحاد باید آسیب‌پذیری‌ها در برابر حملات شناختی را در سطح ملی و شخصی به امید ایجاد و الهام بخشیدن به جمعیتی انعطاف‌پذیرتر ارزیابی کند. سوم، ناتو باید سازمان‌هایی را برای ارتباط با شرکت‌های فناوری و مقابله با چالش‌های آینده جنگ ایجاد کند. بررسی نهایی، تجزیه و تحلیل کشورهای متخاصم بالقوه است که ممکن است از جنگ شناختی علیه آنها در یک استراتژی تهاجمی یا به‌عنوان بازدارنده استفاده کنیم. اساس دموکراسی نه تنها در قوانین و نظم مدنی، بلکه در اعتبار و اعتماد متقابل نهفته است که ما از آن قوانین پیروی می‌کنیم، به نهادهای مدنی احترام می‌گذاریم و به یکدیگر و نظرات متفاوت خود احترام می‌گذاریم. اکنون اعتماد در خطر است، حقیقت مورد حمله قرار گرفته و دموکراسی در معرض تهدید است. اکنون زمان آماده‌سازی فرارسیده

است و تمام دنیا در حال تماشای آن هستند. اساس دموکراسی نه تنها در قوانین و نظم مدنی، بلکه در اعتبار و اعتماد متقابل نهفته است که ما از آن قوانین پیروی می‌کنیم، به نهادهای مدنی احترام می‌گذاریم و به یکدیگر و نظرات متفاوت خود احترام می‌گذاریم. اکنون اعتماد در خطر است، حقیقت مورد حمله قرار گرفته و دموکراسی در معرض تهدید است. اکنون زمان آماده‌سازی فرارسیده است و تمام دنیا در حال تماشای آن هستند.

اکنون ماهیت جنگ تغییر کرده است. اکثر درگیری‌های کنونی زیر آستانه تعریف سنتی پذیرفته شده هزینه جنگ باقی می‌ماند، اما اشکال جدیدی از جنگ مانند جنگ شناختی (CW) ظهور کرده است، درحالی که اکنون ذهن انسان به‌عنوان حوزه جدیدی از جنگ در نظر گرفته می‌شود..

با افزایش نقش فناوری و اضافه بار اطلاعات، توانایی‌های شناختی فردی دیگر برای اطمینان از تصمیم‌گیری آگاهانه و به‌موقع کافی نخواهد بود، که منجر به مفهوم جدید جنگ شناختی می‌شود که به یک اصطلاح تکراری در اصطلاحات نظامی تبدیل شده است. در سالهای اخیر.

جنگ شناختی یک چالش پر از توطئه و دسیسه‌آمیز ایجاد می‌کند. درک و واکنش‌های عادی نسبت به رویدادها را به‌صورت تدریجی و ظریف، اما با اثرات مضر قابل توجهی در طول زمان، مختل می‌کند. جنگ شناختی، از فرد گرفته تا دولت‌ها و سازمان‌های چندملیتی، دامنه جهانی دارد. از تکنیک‌های اطلاعات نادرست و تبلیغاتی باهدف فرسودگی روانی گیرنده‌های اطلاعات تغذیه می‌کند. همه، به

درجات مختلف، آگاهانه یا ناخودآگاه در آن مشارکت دارند و دانش بسیار ارزشمندی را در مورد جامعه، به ویژه جوامع باز، مانند جوامع غربی، ارائه می کنند.

سپس این دانش می تواند به راحتی مورد استفاده قرار گیرد. این به دشمنان ناتو ابزاری برای دورزدن میدان نبرد سنتی با نتایج استراتژیک قابل توجهی ارائه می دهد که ممکن است برای تغییر اساسی جوامع غربی مورد استفاده قرار گیرد.

ابزار جنگ اطلاعاتی به همراه افزودن «سلاح های عصبی» به دیدگاه های فناوری آینده می افزاید و نشان می دهد که میدان شناختی یکی از میدان های نبرد فردا خواهد بود.

این دیدگاه با پیشرفت های سریع NBIC ها (نانوفناوری، بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات و علوم شناختی) و درک مغز.

دشمنان ناتو در حال حاضر سرمایه گذاری هنگفتی روی این فناوری های جدید می کنند. ناتو باید با افزایش آگاهی در مورد پتانسیل واقعی CW، پیشرفت های این فناوری ها را پیش بینی کند. ماهیت و هدف جنگ هر چه که باشد، همیشه به برخورد اراده های انسانی ختم می شود، و بنابراین آنچه پیروزی را تعریف می کند، توانایی تحمیل رفتار مطلوب بر مخاطب منتخب خواهد بود. اقدامات انجام شده در پنج حوزه - هوا، زمین، دریا، فضا و سایبری - همه به منظور تأثیرگذاری بر حوزه انسانی انجام می شوند.

بنابراین زمان آن فرارسیده است که ناتو به اهمیت تجدید ششمین حوزه عملیاتی، یعنی حوزه انسانی، پی برد.

معرفی:

توانایی های شناختی فردی و سازمانی به دلیل سرعت و حجم اطلاعات موجود در فضای نبرد مدرن از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود.

اگر فناوری مدرن نوید بهبود عملکرد شناختی انسان را می دهد، بذر تهدیدهای جدی برای سازمان های نظامی را نیز در بر دارد.

از آنجایی که سازمان ها از انسان تشکیل شده اند، محدودیت ها و ترجیحات انسانی در نهایت بر رفتار سازمانی و فرایندهای تصمیم گیری تأثیر می گذارد. سازمان های نظامی در معرض مشکل عقلانیت

محدود^۱ هستند، اما این محدودیت اغلب در عمل نادیده گرفته می‌شود.

در محیطی پر از فناوری و مملو از اطلاعات، مدیریت توانایی‌های شناختی در سازمان‌های نظامی کلیدی خواهد بود، درحالی که توسعه قابلیت‌هایی برای آسیب رساندن به توانایی‌های شناختی مخالفان یک ضرورت خواهد بود.

به عبارت دیگر، ناتوانی باید توانایی محافظت از فرایند تصمیم‌گیری خود و مختل کردن روند تصمیم‌گیری دشمن را به دست آورد.

این پژوهش در نظر دارد به سه سؤال زیر پاسخ دهد. بهبود آگاهی در مورد جنگ شناختی، از جمله درک بهتر خطرات و فرصت‌های فناوری‌های جدید شناختی/ذهن انسانی.

• ارائه بینش «خارج از جعبه»^۲ در مورد جنگ شناختی.

• و ارائه استدلال‌های سطح استراتژیک برای توصیه یا عدم توصیه، ذهن شناختی / انسانی به‌عنوان یک دامنه عملیاتی.

مقدمه:

مردم از زمان ظهور تمدن تلاش کرده‌اند بر افکار عمومی تأثیر بگذارند. این یک جزء اساسی از ساختارهای سیاسی است که ما در آن تکامل یافته‌ایم. با این حال، مسلح‌سازی افکار عمومی یک تحول جدید و تهدیدکننده در نحوه تعامل ما است. ظهور اینترنت و رسانه‌های جمعی، دست‌کاری در مقیاس وسیع جمعیت را از طریق پیام‌های هدفمند، در دسترس و چندوجهی ممکن ساخته است، پیام‌هایی که اکنون می‌توانند تحت پوشش ناشناس بودن وجود داشته باشند. در دریایی از یک میلیارد صدا، تعیین منابع فردی به طرز باورنکردنی دشوار شده است. تلاشی که از برخی جهات با دشواری تشخیص این‌که چه کسی در میان جمعیت فریاد زده است با "آتش!" قابل مقایسه است. برخی استدلال خواهند کرد که این در نظر گرفته شده است، و ادعا می‌کنند که ناشناس بودن برای منابعی که اینترنت فراهم می‌کند

^۱ . عقلانیت محدود باعث می‌شود ما انتخاب‌های رضایت بخشی داشته باشیم، اما این بدان معنا نیست که آن انتخاب‌ها بهترین‌ها هستند.

اقتصاددانان به جای «همو اقتصادی» که به معنای «مرد/زن منطقی کامل» به ما «بقدر کفایت» می‌گویند. ما به جای بهترین تصمیمات "به اندازه کافی خوب" تصمیم می‌گیریم که این ما را به انتخاب ناسازگار سوق می‌دهد.

^۲ . به ویژه در نرم افزار، یک ویژگی بومی یا عملکرد داخلی یک محصول است که مستقیماً از فروشنده می‌آید و بلافاصله وقتی محصول در خدمت قرار می‌گیرد، کار می‌کند.

لازم است. با این حال، برخی دیگر از عواقب ناخواسته ای که این عدم پاسخگویی ممکن است در درازمدت ایجاد کند، نگران هستند.

مهم نیست که کدام دیدگاه صحیح است، نظر ما این است که ناتوانی باید از تهدیدی که ارتباط متقابل با ما ایجاد کرده است آگاه باشد. تاکتیک‌هایی که مردم را هدف قرار می‌دهند با گذشت زمان از بین نخواهند رفت، بلکه کارآمدتر خواهند شد. آنها مخاطبان وسیع‌تری را هدف خواهند گرفت.

علاوه بر این، آنها به طور فزاینده‌ای متقاعدکننده خواهند شد. در حال حاضر، پیشرفت‌های تکنولوژیکی توانایی خود را در انجام این کار نشان داده‌اند. برای تأیید سرعت کسب و انتشار اطلاعات به نفع طرف مقابل، لازم نیست بیشتر از نشت اطلاعات DNC در سال ۲۰۱۶ را ببینید.

اکثریت درگیری‌های کنونی زیر آستانه تعریف سنتی پذیرفته شده جنگ باقی می‌مانند، اما اشکال جدیدی از جنگ مانند جنگ شناختی (CW) ظهور کرده‌اند، در حالی که ذهن انسان اکنون به عنوان حوزه جدیدی از جنگ در نظر گرفته می‌شود.

با افزایش نقش فناوری و انفجار اطلاعات، توانایی‌های شناختی فردی دیگر برای اطمینان از تصمیم‌گیری آگاهانه و به موقع کافی نخواهد بود، بلکه منجر به مفهوم جدید جنگ شناختی می‌شود که در سال‌های اخیر به یک اصطلاح تکراری در اصطلاح‌شناسی نظامی تبدیل شده است. انتظار می‌رود رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های خبری، الگوریتم‌های اتوماسیون، هوش مصنوعی، راهنمایی سلامت روان و شاید حتی فیزیولوژی خود ما در آینده نزدیک به سرعت تکامل پیدا کنند. همه اینها در تلاش هستند تا ما را بیشتر به هم متصل کنند، با اطلاعات هم‌محورتر و کنجکاوتر می‌شویم. این یک دوره جدید هیجان‌انگیز از تعامل انسانی خواهد بود. با این حال، جاده‌ها در ذهن ما خیابان‌های یک‌طرفه نیستند. در حالی که مردم اطلاعات را دریافت می‌کنند، به طور هم‌زمان اطلاعات و داده‌ها را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. همان‌طور که وجود دارد، خطوط ساده کد روزی قادر خواهند بود همه چیز را در مورد ما شناسایی و توصیف کنند. عادات ما، دوستان ما، اعتقادات ما، فرهنگ ما، ترجیحات ما، و حتی رذایل ما. برای اولین بار، جنگ با اجساد در معرض دید برخورد نخواهد کرد. در عوض با اذهان برخورد خواهد داشت. این راه جدید جنگ است که ما آن را جنگ شناختی نامیده‌ایم.

مفهوم جنگ شناختی:

جنگ شناختی اکنون با ماست. چالش اصلی این است که اساساً نامرئی است. تنها چیزی که می‌بینید

تأثیر آن است، و تا آن زمان دیگر خیلی دیر شده است. جنگ شناختی اکنون به عنوان قلمرو خود در جنگ مدرن دیده می‌شود. در کنار چهار حوزه نظامی تعریف شده توسط محیط آنها (دریایی، هوایی و فضا) و حوزه سایبری که همه آنها را به هم متصل می‌کند، رویدادهای اخیر که توازن ژئوپلیتیکی قدرت را بر هم زد نشان داده است که چگونه این حوزه جنگی جدید ظهور کرده و مورد استفاده قرار گرفته است.

این در یک صحنه جهانی عمل می‌کند، زیرا نوع بشر به عنوان یک کل اکنون به صورت دیجیتالی به هم متصل شده است. از فناوری اطلاعات و ابزارها، ماشین‌ها، شبکه‌ها و سیستم‌های همراه با آن استفاده می‌کند. هدف آن روشن است: هوش ما، هم به صورت فردی و هم گروهی در نظر گرفته شود. حملات برای تغییر یا گمراه کردن افکار رهبران و اپراتورها، اعضای کل طبقات اجتماعی یا حرفه‌ای، مردان و زنان در یک ارتش، یا در مقیاس بزرگ‌تر، کل جمعیت در یک منطقه مشخص، تعریف، ساختار و سازماندهی می‌شوند. در کشور یا گروهی از کشورها. پرخاشگری شناختی بی‌حد و حصر است. می‌تواند اهداف مختلفی داشته باشد و خود را با سایر استراتژی‌های مورد استفاده برای تسخیر سرزمینی (مثلاً یک منطقه مرزی، شبه جزیره یا گروهی از جزایر)، نفوذ (برانگیختن وقفه‌های خدمات ناآرامی عمومی اداره‌های ملی یا محلی، بیمارستان‌ها، خدمات اضطراری، و منابع آب یا انرژی بهداشتی یا حمل و نقل، دزدی اطلاعات نقاط اختناق دریایی از طریق افشای غیرارادی یا به اشتراک گذاری رمزهای عبور) و غیره.

جنگ شناختی هنر استفاده از ابزارهای تکنولوژیک برای تغییر شناخت اهداف انسانی است، افرادی که اغلب از هرگونه تلاشی مانند تلاش برای مقابله، به حداقل رساندن یا مدیریت پیامدهای آن که واکنش‌های نهادی و بوروکراتیک بسیار کند یا بسیار آهسته و ناکافی است، آگاه نیستند.

چند تعریف از جنگ شناختی:

بنابراین، جنگ شناختی یک شکل غیرمتعارف جنگ است که از ابزارهای سایبری برای تغییر فرایندهای شناختی دشمن، سوءاستفاده از سوگیری‌های ذهنی یا تفکر انعکاسی، و برانگیختن انحرافات فکری، تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری و جلوگیری از اقدامات با تأثیرات منفی در سطح فردی و جمعی استفاده می‌کند.

این بدیهی است که جنگ شناختی به مفهوم جنگ سایبری مربوط می‌شود که از ابزارهای اطلاعات دیجیتالی برای به دست آوردن کنترل، تغییر یا تخریب ابزارهای مذکور استفاده می‌کند.